

از این میان، مصاحبه یکی از استادان روابط بین الملل دانشگاه تهران (آقای دکتر عسگر خانی) در گفت‌وگو با یکی از شبکه‌های سیمای جمهوری اسلامی ایران (گویا شبکه‌افق) که در فضای مجازی نیز بازنشر گسترده‌ای داشت، بیشتر از دیگران ذهن بنده را درگیر ساخت.

دکتر عسگر خانی که از حامیان قدیمی برنامه هسته‌ای کشور هستند... نگارنده به خاطر می‌آورد که در سال‌های آغازین دهه ۱۳۸۰ ایشان در یکی از سخنرانی‌های‌شان در توجیه نیاز کشور به سلاح اتمی از استعاره «گنج و مار» استفاده کردند. البته این را هم به خاطر می‌آورم که در همان زمان که مقارن با حمله امریکا به په‌لانه وجود تاسیسات و تسلیحات شیمیایی (و احتمالا اتمی) در آن کشور بود، بنده در حاشیه آن سخنرانی یادآور شدم که در کنار استعاره «گنج و مار» لازم است به استعاره «روبا‌ه و فرار» نیز توجه داشته باشیم. در واقع از همان زمان برای بسیاری از ناظران مسائل سیاست بین‌الملل به خوبی روشن بود که قدرت‌های بزرگ، به ویژه امریکای پس‌ا ۱۱ سپتامبر اجازه چندانی برای افزایش کشورهای اتمی نخواهند داد و هر جا که احتمال ضعیفی برای چنین حرکتی بینند (به ویژه اگر از سوی کشورهای باشد که به زعم آنها با نظم جهانی ناسازگارند) ابایی از حمله پیشدستانه نیز نخواهند داشت. (طبق «استعاره روباه و فرار» قدرت‌های بزرگ ابتدا به کشور مورد نظر حمله خواهند کرد یا آن را تحت فشارهای سخت اقتصادی قرار خواهند داد، سپس دنبال بود و نبود تاسیسات و سلاح‌های هسته‌ای در آن کشور خواهند گشت!)

جناب دکتر عسگر خانی که متخصص رژی‌م‌های بین‌المللی هستند حتما نکات بالا را بهتر از بنده، که اصولا تخصصی در روابط بین‌الملل ندارم، می‌دانستند اما شاید در آن روزها که هنوز به دلایل متعددی فشارهای بین‌المللی و منطقه‌ای بر ایران چندان زیاد نبود و البته دیپلماسی نسبیتا فعال ایران نیز سطح منازعه را تا حدودی مدیریت می‌کرد، تصور می‌کردند که می‌توان از فرصت درگیری امریکا در عراق و افغانستان استفاده کرد و از جعبه پررژه هسته‌ای ماری را برای خفتن بر سر گنج ایران زمین بیرون کشید. تاروی کار آمدن دولت روحانی و شروع دور جدید مذاکرات هسته‌ای دست کم بنده خبر و اثر چندانی از حضور رسانه‌ای آقای دکتر و اظهار نظر ایشان در مورد سیاست هسته‌ای کشور ندیدم. در گرماگرم مذاکرات دولت روحانی و در آستانه توافق موسوم به برجام، یعنی در اسفند ۱۳۹۳ آقای دکتر در مصاحبه‌ای با «خبر آنلاین» کل مذاکرات مربوط به برنامه هسته‌ای را دوره دولت اصلاحات تا دولت روحانی مورد انتقاد قرار دادند و اعلام کردند که: «...مسوولان مذاکره کننده، در هر مرحله بیش از هر مرحله قبل هزینه بر امنیت کشور تحمیل کرده‌اند و این روند همچنان در هر گونه مذاکره‌ای ادامه خواهد یافت». البته ایشان در آن مصاحبه علت این ناکامی را به «آگاهی تیم‌های مذاکره کننده از مسائل امنیتی و همه‌راندشتن متخصصان مربوطه» نسبت دادند (نقل به مضمون) اما زمانی که خبر نگار باصرار از ایشان می‌خواهد که با توجه به شرایط موجود، راه‌حل پیشنهادی خود را ارائه دهد، بعد از چند بار گریز سرانجام می‌فرماید: «هن اگر تصمیم گیرودر مسائل مختلفی را برای متخصصین بین‌المللی می‌فرستادم و از آنها در ابعاد مختلف موضوع نظر می‌خواستم تا تأثیر بسین‌ها، حقوقدانان، روانشناسان و انسان‌شناسان روی این مساله کار کنند. متخصصین امور دریا‌یی این موضوع را مطالعه کنند تا از آنها مشاوره بگیریم»

بعد از آن مصاحبه نیز دست کم بنده از نظرات آقای دکتر خبری نداشتم تا چند روز پیش که مصاحبه مورد اشاره در بالا را از ایشان دیدم. عصاره نظرات ایشان در این مصاحبه این است که «...در مذاکرات مربوط به پرورنده هسته‌ای، به ویژه در توافق برجام، همچون عراق و لیبی امنیت خود را فروختیم، در حالی که باید همانند چینان و هندیان و پاکستانی‌ها زیر بار هیچ مذاکره‌ای نمی‌رفتم و تا تکمیل پروژه هسته‌ای با خوردن علف هم که شده بود تحریم‌ها را تحمل می‌کردیم». بیان این سخنان از سوی یک متخصص امنیت و رژی‌م‌های بین‌المللی نکاتی را در ذهن بنده غیر متخصص مطرح کرد که جهت تامل و گفت‌وگو خدمت دوستان و به ویژه دانشجویان و دانش‌اموختگان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل تقدیم می‌کنم.

۱- معلوم نیست امنیت مورد نظر استاد که باید حفظ می‌شد و حالا فروخته شده است؟ به چه معنایی است؟ بر اساس کدام هستی‌شناسی سیاسی و اجتماعی از ایران امروز تعریف، معیارمند و شاخص‌سازی شده است؟ یا تهدیدات امنیتی ایران متوجه کدام یک از مولفه‌های «تمامیت ارضی»، «استقلال»، «نافع ملی» و یا چه تعریفی از هر یک از این مقوله‌هاست؟ البته تعلق خاطر



نظری استاد به نگرش رئالیسم کلاسیک (اصالت قدرت از هم از نوع نظامی و محوریت دولت-ملت‌ها در روابط بین‌الملل) این گمان را تقویت می‌کند که لا‌بد ایشان از همین منظر به موضوع امنیت می‌نگرند. اما خود استاد بهتر می‌داند که این نگرش تحت تأثیر تحولاتی که طی چند دهه اخیر رخ داده، مورد بازاندیشی‌ها و بازنگری‌های بی‌در پی قرار گرفته است. سرشت پیچیده این تحولات، چه در «منابع قدرت» (مثلا افزایش نقش قدرت اقتصادی و مبادلاتی) چه در «سنخ و سرشت بازیگران سیاسی و بین‌المللی» (نقش آفرینی نیروها و نهادهای فراملی و فروملی) و چه در «الگوهای روابط میان این بازیگران» (مداخله نظام‌های معنایی، تصویرسازی‌ها، نمادها، بازنمایی‌ها و مهم‌تر از هم، برسرآشتگی‌های دو جانبه و چند جانبه) این انتظار را ایجاد می‌کند که استاد ما با ورود به این مباحث منظور و معنای مورد نظر خود را از مقوله‌های امنیت و تهدیدات امنیتی نسبت راه‌حل خود (قدرت اتمی) را با این مقوله‌ها به روشنی بیان کنند. ضرورت چنین ابهام‌زایی‌هایی از معنا و مفهوم امنیت و بازدارندگی و... زمانی بیشتر می‌شود که ما در دهه‌های شاهد تغییر الگوهای جنگ‌ها و عملیات تخریبی، کاهش شدید نقش نیروها و تسلیحات کلاسیک هستیم و مهم‌تر از همه بودن تسلیحات اتمی (به دلایل متعدد) عملا «غیر قابل کار» به‌نظر می‌رسند.

۲- سخنان استاد نشان می‌دهد که ذهنیت استراتژیک استاد از لحاظ تجربی هنوز در حال و هوای دوران نظام دوقطبی و جنگ سرد زیست می‌کند. اگر چین و هند و پاکستان در دهه‌های میانی نیمه دوم سده بیستم به سلاح اتمی دست پیدا کردند، آ‌لا هر یک از این کشورها در بلو‌کبندی دوران جنگ سرد مستظ‌هر به حمایت یک ابر قدرت بودند در حالی که دیگر چنین جاهانی برای چنین کشورها و سیاست‌هایی وجود ندارد (همراهی تقریبا تمام‌عیار متحدان به اصطلاح استراتژیک ایران نظیر روسیه و چین با قطعنامه‌ها و تحریم‌های ایران طی ده دهه اخیر و همچنین با فشار بر کره شمالی طی سال‌های اخیر برای تأیید این موضوع کافی است). ثابا، در آن زمان هنوز هیچ نظم یا به تعبیر خود استاد هیچ رژی‌م امنیتی اتمی مورد توافق قدرت‌های بزرگ شکل نگرفته بود. در حالی که از بی موافقتنامه‌های «سالت» و سپس «آنی بی تی» رژی‌می مبتنی بر منع توسعه سلاح‌های اتمی شکل گرفته که صرف‌نظر از اینکه چه اندازه عادلانه یا سودمند باشد، از لحاظ حقوقی و حقیقی به شدت از سوی قدرت‌های بزرگ حمایت می‌شود. البته نیپوستن دولت‌های چون اسراییل به این رژی‌م حقوقی به معنای آن نیست که اگر ایران نیز به آن نیپوسته‌ای چندانی برای قدرت‌های بزرگ برای فشار بر ایران بسته‌تر می‌شد، چنان که کره شمالی با وجود نیپوستن به این رژی‌م کمتر از ایران تحت فشار و تحریم و تهدید نبوده است.

۳- قیاس مورد اشاره استاد نه فقط از منظر نظام بین‌الملل و حقوق بین‌الملل مع الفارق است از لحاظ امنیت منطقه‌ای نیز به شدت محل مناقشه است. اینکه استاد

نقدی بر ذهنیت جنگ سردی



غیر مولد دلال، یک دولت و حکومت فره و پر هزینه، یک جامعه مصرفی یارانه‌ای و تن آسا و یک فرهنگ عمومی و سیاسی آشفته (ملغمه‌ای از گرایش‌های ناهمساز مدرن و سنتی، دموکراتیک و اقتدارگرا، انفعالی و شورشی و...) را به بار آورده است. چنین دولت و جامعه‌ای در عمل نشان داده که تحمل و تاب‌آوری چندانی برای موقعیت‌های سخت‌ن‌دار داصر فنظر از اینکه اصولا چنین سیاست‌هایی چقدر ضروری و ناگزیر باشد). تجربه و رویدادهای سال‌های اخیر نشان داده است که نه فقط جامعه (اعم از شهری و روستایی و طبقات بالا، متوسط و پایین)، بلکه همچنین دولت (مجموعه نهادهای حاکمیتی و حکومتی و مسوولان و کارگزاران بالا و پایین آن) اراده و انگیزه چندانی برای تحمل یک روز قطع شدن صادرات نفت و واردات از‌رها و کالاهای خدمات خارجی و کاهش یک ریال از بودجه‌های مرسوم و مالوف سالانه خود را ندارند تا چه رسد به تحمل شرایط مورد نظر آقای دکتر (علف خورای). بنابر این تجویز چنین راهکارهایی از سوی آقای دکتر مصداق بارزی از همان نقدی است که خود ایشان بر دیپلمات‌ها و مذاکره‌کنندگان ده دهه اخیر وارد می‌کنند، یعنی بی توجهی به ابعاد تخصصی سیاسی، استراتژیک، اقتصادشناختی، جامعه‌شناختی، فرهنگی و روانشناختی و بیکر دهاو سیاست‌های خارجی و امنیتی.

۵- صرف‌نظر از همه محدودیت‌ها و موانع خارجی و داخلی سیاست‌های امنیتی مورد نظر آقای دکتر و به فرض دستیابی به اهداف مورد نظر از کجا معلوم است که چنان وضعیتی امنیت و ثبات کشور را تأمین و تضمین کند؟ برای مثال نظام سیاسی در ایران در طول تاریخ چند هزار ساله خود الگوهایی از شکست‌های بزرگ خارجی را با وجود برخورداری از بالاترین قدرت‌های نظامی داشته است (نمونه‌های شکست هخامنشیان، ساسانیان، صفویان و...). همچنین این کشور الگوهایی از فروپاشی داخلی را تجربه کرده است که هیچ ربطی به میزان قدرت و امنیت خارجی‌اش نداشته است (نمونه افشاریه و پهلوی دوم) در مورد کشورهای مورد اشاره آقای دکتر، یعنی چین و هند و پاکستان نیز این سوالات مطرح است که آیا الگوی امنیت آنان (صرف‌نظر از تفاوت‌ها و آسیب‌پذیری‌های‌شان) چقدر فقط ناشی از توانایی اتمی آنان است؟ به علاوه آیا سطح بسیار متفاوت توسعه اقتصادی در این سه کشور نشان از بسیاری متغیرهای دیگر ندارد؟ آیا مثلا چین قبل یا بدون سلاح اتمی نمی‌توانست ایده‌های اقتصادی دنگ شیائو را عملی کند. مگر سنگاپور، هنگ‌کنگ و کره جنوبی بدون سلاح اتمی امنیت‌شان تأمین و فرا‌آیند توسعه‌شان موفق نبوده است؟ علاوه بر همه اینها تجربه شوروی سابق چه درس‌هایی

برای آسیب‌پذیری امنیت و توسعه در عین برخورداری از پیشرفته‌ترین و قدرتمندترین توان هسته‌ای به ما می‌دهد؟

۶- نکته آخر اینکه استاد خوب می‌داند که یک صاحب‌نظر یا استراتژیست امنیت، علاوه بر توجه به مجموعه شرایط (که در سطور بالا فقط به برخی از آنها اشاره شد) لازم است به یک نکته دیگر نیز توجه داشته باشد و آن اینکه هر گونه تعارضی را فی‌نفسه یا همواره ضروری و مقبول نبیند و تمام توجه خود را صرفا به ملزومات فرآیند معارضه معطوف نسازد. به ویژه از منظر تئوریک و استراتژیک استاد عزیز ما، یعنی واقع‌گرایی، پیش از هر بحث جدی در مورد ملزومات مقابله با تهدیدات امنیتی، لازم است به این موضوع پرداخته شود که بر اساس معیارهایی چون امنیت ملی و منافع و مصالح ملی، کدام موقعیت‌ها و کشورها را باید تهدیدات واقعی و معارض حقیقی به شمار آورد. اتفاقا در اینجا‌ست که یکی از ظرف‌ترین مباحث تئوریک و استراتژیک مطرح می‌شود و آن «اثرات فرآیند منازعه» (The Effect of Conflict Process)

است. به عبارت دیگر بسیاری از تعارضات و منازعات، چه در سطوح فردی و اجتماعی، چه در سطوح سیاسی و بین‌المللی نه صرفا به علت موضوعات اولیه محل اختلاف و تعارض، بلکه به علت گرفتار شدن در دور منازعه شدت و حدت می‌گیرند و گاه به فاجعه منجر می‌شوند. برای مثال، بسیار اتفاق می‌افتد که دو طرف (از جمله دو کشور) به لحاظ موقعیت‌ها و منافع چندان هم بنیاد ناسازگار و متخاصم نیستند بلکه به دلیل برخی رویدادها وارد سطوحی از تعارض و برخورد می‌شوند که البته سرنوشت محتون آن مواجهه تخصصی و جنگ نیست اما اگر این فرآیند از کنترل عقلانیت سیاسی و استراتژیک خارج شود یا به مستمسک دیگر اهداف و ملاحظات طرفین (تصویرسازی‌های هویتی یا تعارضات داخلی و منطقه‌ای و...) تبدیل شود، لاجرم خود فرآیند چنین معارضه‌ای، از طریق ایجاد یک دور باطل تعارض و تخاصم به عامل اصلی «بر ساختن دشمن» تبدیل می‌شود (در واقع تلقی واقعیت یا شدت می‌بخشد). در چنین شرایطی وظیفه یک تنور بسین به ویژه آنجا که نباست نقش آکادمیک خود را ایفا کند، چیست؟ آیا صرفا باید به کار گزار ارایه و ترویج ابزارهای پیشبرد چنین تعارض و خصومتی بر ساخته تبدیل شود یا اینکه بایبصیرت‌نظری و استراتژیک خود، به امکان یا ضرورت بازاندیشی در نفس چنین تعارضاتی نیز بپردازد؟ به نظر بنده استاد ماسال‌هاست که این بخش از مسوولیت آکادمیک خود را فراموش کرده یا دست کم آن را در محافل عمومی و رسانه‌ها آشکار کرده است. البته مهم‌ان است در محافل خصوصی و تخصصی به چنین مباحثی ورود کرده باشند اما حتی اگر چنین باشد باز این سوال مطرح است که آیا ما به عنوان دانشگاهی نباید اجازه دهیم مباحث و مواضع علمی‌مان از سوی نیروها و نهادهای سیاسی دی‌نفع به صورت گزینشی یا یک‌سویه و جانبدارانه بازنمایی شود؟



موسسه خیریه کهریزک
مسک‌گزینگی‌های، دروسان
و آموزش معلولین و سالمندان
غیر دولتی، غیرانفعالی، مردمی

www.kahrizak.com

با اهدای **فطریه** خود به موسسه خیریه کهریزک، ما را یاری نمایید.

با شماره‌گیری کد: **#۶۵*۷۸۰***



عید فطر مبارک
#سهم من از بندگی

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله ای

- نام دستگاه مناقصه گزرا: شرکت تامین و تصفیه آب وفاضلاب تهران
- موضوع مناقصه: خرید و تحویل (شامل بارگیری و حمل) تعداد ۱۲دستگاه الکتر و مو تور عمودی هاو شفت مطابق بااستاندارد ASTM IECو NEMA
- محل اعتبار: از محل اعتبارات جاری شرکت
- مهلت و محل دریافت اسناد مناقصه: متقاضیان شرکت در مناقصه می توانند برای دریافت اسناد مبلغ ۷۰۰,۰۰۰ (هفتصد هزار) ریال به حساب شماره ۴۳۰۳۷۳۸۵۶۲ نزد بانک ملت شعبه سازمان صنایع ملی کد ۶۳۵۴۵ به نام شرکت تامین و تصفیه آب وفاضلاب تهران واریز و فیش مربوطه را با معرفی نامه معتبر حداکثر تا ساعت ۱۶ روز یکشنبه مورخ ۹۷/۴/۴ در دبیر خانه مرکزی این شرکت به نشانی: تهران، خیابان دکتر فاطمی – خیابان حجاب مراجعه ونسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند.
- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به مبلغ ۶۳۲,۰۰۰,۰۰۰ (ششصد و سی و دو میلیون) ریال به یکی از انواع ذیل می باشد:
 - چک بانکی تضمینی، ضمانتنامه بانکی و یا واریز نقدی به حساب جاری شماره ۱-۱۹۶۴۵۳۳-۴-۱۳۹۶ نزد بانک سینا شعبه دکتر فاطمی غربی به نام شرکت تامین و تصفیه آب و فاضلاب تهران و به پیشنهادهای فاقد امضاء، مشروط، مخدوش، فاقد سپرده و سپرده های مخدوش یا سپرده های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و همچنین پیشنهادهاتی که بعد از انقضای مدت مقرر واصل شود مطلقا ت تیب اثر داده نخواهد شد.
 - مهلت و محل تحویل پیشنهادها: تا ساعت ۱۶ روز یکشنبه مورخ ۹۷/۴/۱۷ در دبیر خانه مرکزی این شرکت به نشانی مذ کور.
 - زمان و محل گشایش پیشنهادها: ساعت ۹ روز سه شنبه مورخ ۹۷/۴/۱۹ امور بازگانی و قرار دادها.
 - سایر اطلاعات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است
 - هزینه درج آگهی مناقصه در یک نوبت به عهده برنده مناقصه می باشد
 - نشانیهای سایت اینترنتی به شرح ذیل:سایت این شرکت: (http://www.tppww.co.ir)،سایت ملی مناقصات (http://iets.mporg.ir)،سایت شرکت مهندسی آب وفاضلاب کشور: (http://www.nww.ir)

شرکت تامین و تصفیه آب وفاضلاب تهران
(سهامی خاص)